

جذب نیروهای مردمی: (۱) از دیدگاه قرآن کریم

مهدی خانسی

جانشین معاونت پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهشهای ارتش بیست میلیونی

دیباچه:

در حال حاضر نیروهای مردمی نقش بسیار مهمی را در جنبه های مختلف سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و دفاعی یک کشور دارند نیروهای مردمی در قالب حرکت های ملی و جنبشهای مردمی و نهضت های آزادیبخش در تعیین سیاست های جهانی و روابط بین المللی و بین الدولی سهم فراوانی را به خود اختصاص داده اند . به ویژه این نقش پس از جنگ دوم جهانی رنگ بیشتری به خود گرفته است .

حضور نیروهای مردمی در صحنه های نظامی و دفاعی یک کشور به منظور کمک به نیروهای نظامی کلاسیک و ارتش در دفع نیروهای متجاوز و دشمن برکسی پوشیده نیست . به همین جهت ارتشهای مردمی جای پای خود را در منازعات و مناقشات داخلی و حتی جنگ های بین کشورها و دولت ها باز کرده است . عملکرد ارتش های مردمی در دفاع غیر نظامی «سیل ، زلزله ، بیماری های اپیدمی و ...» نیز مشهود بوده و فراتر از آن ، حتی در بعضی از کشورها ارتش های مردمی به جای

ارتش های کلاسیک و نظامیان انجام وظیفه می نمایند. (۱)

توسعه و بازسازی سازمان بسیج، در گذر زمان با سیاست جذب نیروهای بسیجی ارتباط دارد. در نوشتار حاضر به بحث در اهمیت، زمینه ها و رویکرد های مطرح در مورد جذب می پردازیم.

تعریف جذب: (۲)

تعریف لغوی جذب عبارتست از: ۱- به سوی خود کشیدن، ربودن ۲- «امص» (۳) کشش، ربایش ۳- جاذبه، جذب کردن: «مص م» ربودن، بسوی خود کشیدن، جلب کردن «طوری تکلم می کند که همه شنوندگان را جذب می کند» (۴).

۱- جذب عبارت از فرآیندی است که در اثر آن رابطه و پیوندی منطقی بین اشیا، افراد، اعتقادات و ... بوجود می آید که می تواند پیوندی سطحی، گسستگی و یا پیوندی عمیق و انقیاد کامل باشد.

۲- جذب عملی است که موجب تمایل و گرایش افراد به یکدیگر و یا به فرهنگها و مکاتب می شود.

اهمیت جذب نیروی انسانی:

توجه به رفاه مادی و سعادت معنوی نوع بشر و همچنین پرورش و بهره گیری صحیح از نیروی انسانی، به مثابه ارزشمندترین و بزرگترین ثروت در جامعه بوده و بصورت مسأله ای حائز اهمیت مورد توجه دولتها قرار داشته است، به نحوی که کارآیی و "اثر بخشی" خدمات عمومی و تامین و رفع حوائج و نیازهای جامعه به دلیل رشد فزاینده، نقش و قلمرو وظائف دولتها تا حد قابل توجهی به نحوه اداره و مدیریت

1 - Dr . H . R . Kurz , Swiss NATIONAL DEFENCE , Federal Military Department

۲ - علی رغم اینکه در تعریف جذب کوشش وسیعی انجام شده ولی منبعی معتبر به دست نیامده است و احتمال می رود اولاً به دلیل نو بودن پدیده جذب و ثانیاً اطلاق خاص این واژه به بسیج و ارتش بیست میلیونی باشد که تاکنون تعریف نظری و تئوریک در باره آن به عمل نیامده است، لذا به ناچار تعریف فوق از سوی مؤلف صورت گرفته است.

۳ - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۱۲۲۰.

۴ - همان منبع.

این ثروت و منبع حیاتی بستگی پیدا کرده است. (۱)

نظام اداری و مدیریت در جوامع در حال رشد و توسعه، به دلیل محدودیت های ناشی از ضعف و کمبود نیروی انسانی ماهر نقش و اهمیت ویژه ای می یابد. بهره گیری از منابع موجود فیزیکی با انتخاب و بکارگیری شیوه های صحیح فنی و تکنولوژی مناسب امکان پذیر است. حال آنکه استفاده مطلوب از منابع انسانی و ایجاد انگیزش و روحیه تشریک مساعی و همکاری به سهولت میسر نیست، لذا اداره امور نیروی انسانی یا به عبارت دیگر گزینش و استخدام بیش از آنکه امری سهل نماید، مستلزم اتخاذ تدابیر و شیوه های مناسبی است؛ بویژه آنکه گزینش و جذب نیروهای مردمی دارای معیارها و اصول متفاوت با گزینش و استخدام ادارات، سازمانها و دوایر دولتی است.

جذب و ورود نیروی انسانی نامتناسب با عملکرد یک نظام و پویایی و تحرک، نظام را مختل و مآلاً موجب ایجاد زلزله در ساختار و عملکرد آن گردیده و به تبع آن آسیب پذیری ساخت نظام را در تبادل عوامل محیطی افزایش می دهد. (۲)

امروزه پژوهشگران و مدیران منابع نیروی انسانی بر اصل نظام شایستگی توجه فراوان دارند، اگر چه این اصل قدمت تاریخی زیادی دارد؛ از آثار و نوشته های اندیشمندان ادوار گذشته نمونه های بارز و مشخصی از این تفکر و نگرش مشاهده می شود. خصوصاً در فرهنگ اسلامی و بیان امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه بدان توجه شایانی شده است. سعی مدیران این است تا بر اساس نظام شایستگی و یا تعیین و نگهداری و بکارگیری شایسته ترین نیروی کارآموده، راضی و پربازده به نقش و رسالت نیروی انسانی اهمیت قائل شوند. نظام شایستگی و انتخاب احسن و اصلح موجب گزینش و جذب نیروی انسانی شایسته و کارآمد شده و با استفاده بهینه و مطلوب نیروهای جذب شده پرورش و توسعه استعدادها و مهارتهای نیروی انسانی را فراهم می نماید.

سه عنصر اصلی در فرآیند جذب وجود دارد که عبارتند از:

۱ - امور نیروی انسانی، مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری، ۱۳۶۴.

۲ - همان منبع.

۱- جاذب^(۱) ۲- مجذوب^(۲) ۳- عامل جذب «انگیزه»^(۳)

جاذب «جذب کننده» فاعل وکننده کار است، یعنی جذب و انجذاب توسط آن بر روی مجذوب صورت می گیرد.

مجزوب «جذب شونده» مفعول است، یعنی عمل جذب بر روی آن اعمال شده است و اوست که تمایل و گرایش به سوی جاذب پیدا می کند.

عامل جذب: همان انگیزه ها، رفتارها، صفات، خصوصیات و هر آن چیزی که موجب پیدایش و تکوین روابط منطقی بین جاذب و مجذوب می شود را عامل جذب می گویند.

این واقعیت را با یک مثال ساده می توان نشان داد: جاذبه ای که بین آهن ربا «جاذب» و براده های آهن یا فلزات و دیگر مواد جذب شونده «مجزوب» وجود دارد نشان می دهد که اولاً آهن ربا قابلیت و قدرت جذب کنندگی دارد، ثانیاً هر عنصری که بسط طرف آهن ربا کشیده می شود خاصیت جذب شونده ای دارد، ثالثاً عامل جذب که همانا میدان مغناطیسی است برای کشش و گرایش جاذب و سجزوب لازم است، و هرگاه یکی از سه عنصر فوق خواص مذکور را دارا نباشد، جاذبه صورت نمی گیرد.

جذب نیروهای مردمی نیز از این قانون مستثنی نیست، اگر چه مقایسه جذب بین آهن ربا و انسان و بطور کلی بین موجودات زنده و غیر زنده ممکن است صحیح نباشد، ولی هرگاه بخواهد گرایش و تمایل بین افراد بوجود آید، ضرورتاً بایستی جاذب قابلیت و قدرت جذب کردن را داشته باشد؛ ولی از آنجایی که قابلیت جذب افراد نسبت به یکدیگر و یا فرهنگی نسبت به فرهنگ دیگر و... متفاوت است، لذا می توان ادعا کرد که هر جاذبی نمی تواند هر مجذوبی را جذب کند، بلکه هر جاذبی می تواند بعضی ها را جذب کند.

از سوی دیگر مجذوب بایستی خاصیت جذب شونذگی را دارا باشد، یعنی هر کسی جذب هر فردی یا هر فرهنگی نمی شود؛ ولو اینکه جاذب از توانایی جذب قوی نیز برخوردار باشد.

عامل جذب یعنی آن چیزی که رابطه و پیوند بین جاذب و مجذوب را برقرار می کند و دارای اهمیت خاصی است. چه بسا جاذب از قدرت بسیار بالایی در جذب افراد برخوردار بوده و مجذوب نیز خاصیت جذب شونذگی خوبی داشته باشد، ولی به دو دلیل عمده عمل جذب صورت نمی گیرد. دلیل اول اینکه عوامل موثر در جذب «انگیزه ها، رفتارها و...» وجود ندارد و زمینه های جذب فراهم نیست. در مثال بالا اگر میدان مغناطیسی وجود نداشته باشد آهن ربانمی تواند براده های آهن را جذب کند. دلیل دوم اینکه موانعی بر سر راه جذب وجود داشته باشد. یعنی عامل جذب که همان انگیزه ها، رفتارها، علایق و... می باشد وجود دارد، ولی موانعی وجود دارد که مانع از عمل جذب می شود، مثلاً اگر بین آهن ربا و براده های آهن موانعی چون دیوار، آب و... باشد انجذاب صورت نمی گیرد.

دیدگاه قرآن در مورد جذب نیروهای انسانی

ویژگی اسلام این است که انسان را بطور جامع و کامل می نگرد و وی را ذاتاً شورو و یا ذاتاً خوب نمی داند، بلکه سرشت و فطرت آدمی پاک و همانند لوح سفید است؛ به این معنی که هنگام تولد قوه محض است. یعنی، بالفعل نه خوب است و نه بد. بلکه استعداد خوب و بد شدن را دارد، لذا تأکید شده است که حتی در حضور نوزادان، گناه نکنید. پس این خود فرد است که می تواند بسوی نیکی ها و خیرات برود و خوبی ها را انتخاب کند و یا به دنبال بدی و شر حرکت کند و گاه محیط اطراف و عوامل تأثیر گذار اجتماعی و حتی خانواده می تواند او را به هر سو بکشانند.

دیدگاه فوق نشان می دهد زمینه پیدایش و گرایش هرکسی بسوی نیکی ها و خوبی ها وجود دارد و از طرف دیگر زمینه تمایل به سوی زشتی ها نیز وجود دارد.

ذات انسانی استعداد محض است و چون اراده و اختیار دارد، اگر این استعدادها را به سوی خیرات هدایت کند، می تواند تا آنجایی پیش برود که قوه محض را به خیر محض برساند و به مقام معصومین علیهم السلام نایل آید و یا این استعداد محض را به گونه ای تربیت کند و رشد دهد که شرارت ها جایگزین آن شود. اگر انسان بدی ها را در نفس خویش پرورش دهد رفته رفته جذب شونذگی را از دست خواهد داد تا جایی که به شر محض برسد و در این صورت دیگر هیچ جاذبی نمی تواند آنرا جذب کند برای همین است که رسول خدا «ص» و ائمه اطهار علیهم السلام که قابلیت تام و جاذبیت کامل دارند نتوانستند همه افراد را جذب کنند یعنی جاذب قدرت عالی دارد، ولی مجذوب خاصیت کشش به سوی آنها ندارد.* به همین منوال است که مطلق در روز عاشورا در مقابل ظلمت مطلق و شر محض به شهادت می رسد و خاموش می شود. اگر چه واژه جذب اطلاق عام دارد، یعنی می توان آنها در مورد هر چیزی و هر موضوعی قابل قبول دانست؛ ولی اطلاق خاص آن عبارتست از گرایش و تمایل نیروهای مردمی و مؤمن، به انقلاب و اسلام از طریق بسیج و ارتش بیست میلیونی.

توضیح اینکه، هر اقدامی و هر عملی که موجب کشیدن شخصی به سوی اسلام شود جذب نامیده میشود و چون جذب به بسیج همان جذب به انقلاب است و جذب به انقلاب نیز همان جذب به اسلام است؛ پس جذب دامنه ای بسیار وسیع دارد و این اقدام از هر کس سرزند عمل جذب صورت می گیرد. یعنی هر کسی با رفتار، کردار و اعمال خویش دیگران را به راه راست هدایت نماید جاذب نامیده می شود. و هر فردی به سوی ارتش بیست میلیونی، انقلاب و اسلام تمایل پیدا کند، جذب شده است.

* اینکه انبیا و اولیای الهی نتوانستند همه مردم را جذب کنند، نقص از آنان نبوده است بلکه نقص از مردمی است که خاصیت و قابلیت جذب شونذگی نداشتند.

بطور کلی می توان گفت جذب به یک مفهوم همان گزینش و به تعبیر دیگر همان پذیرش است همانگونه که فردی به عضویت سازمانی، نهادی، فرهنگی و ... در می آید در جذب نیز به عضویت درآمدن معنی و مفهوم دارد ولی از این جهت این تفاوت وجود دارد که در گزینش و پذیرش پس از عضویت، بکارگیری مطرح است و گزینش پلی است برای ورود به مرحله ای دیگر، یعنی ارتباط بین دوران قبل از خدمت و دوران خدمت است و مرز مشخصی بین گزینش «استخدام» و بکارگیری وجود دارد. در واقع گزینش به معنای خارج شدن از یک مرحله و وارد شدن در مرحله دیگر است. اما در جذب این مرز مشخص وجود ندارد، یعنی با استخدام و به عضویت درآمدن و گرایش به چیزی، جذب تمام نمی شود. پس از عضویت، دیگر گزینش مفهومی ندارد؛ ولی جذب در تمام مراحل مصداق دارد. یعنی در مرحله سازماندهی و بکارگیری و ... جذب بی معنی نیست پس مرز مشخصی بین جذب، آموزش، سازماندهی، بکارگیری، حفظ، انسجام و ... وجود ندارد. اگر چه بطور نسبی دارای مرزهای شخصی و سلسله مراتب و ترتیب و تقدم زمانی هستند.

تعبیر فوق نشان می دهد که جذب همانند گزینش فقط پل ارتباطی بین مراحل قبل از خدمت و حین خدمت نیست، بلکه علاوه بر اینکه دروازه ای برای ورود به مرحله خدمت است؛ در مراحل حین خدمت و حتی پس از خدمت نیز گرایش و تمایل وجود دارد. به عنوان مثال گرایش به اسلام با شهادتین به انجام می رسد. یعنی با گفتن این جمله فرد مسلمان می شود ولی برای حضور در جنگ و یا انجام سایر فرائض تنها شهادتین کافی نیست و برای شرکت در جنگ از شیوه های مختلف برای جذب وی بایستی استفاده نمود. چه بسیار افرادی که جذب می شوند یعنی گزینش صورت می گیرد، ولی برای سازماندهی شدن و بکارگیری حاضر نمی شوند و سر باز می زنند و لازم است از روشهای مختلف برای جذب آنان در سازماندهی، بکارگیری و ... استفاده نمود.

در این نوشتار تلاش می شود تا شیوه ها و روشهای جذب مورد بررسی قرار گیرد و

عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزش، موانع عمده در سر راه جذب نیروهای مردمی و ارتش بیست میلیونی مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روشهای جذب در قرآن کریم چگونه است؟

بطور کلی می توان ادعا کرد تمام آیات قرآن کریم برای جذب و تمایل نیروهای مردمی به اسلام و توجه عمیق به خداوند متعال است. آیاتی که فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می کند و نیکی به پدر و مادر را در ردیف پرستش حق تعالی قرار می دهد، برای ترغیب مردم به این فرهنگ اصیل است. اگر می گوید بندگان خاص هنگامی که راه می روند به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب و عتابی کنند با سلامت نفس و زبان خوش جواب دهند، اگر در دستورات قرآن کریم آمده است که خطاکاران و گناهکاران را مورد عفو بخشش قرار دهید و از مجرمین و مستضعفین حمایت می کند و آنان را امامان و پیشوایان و نیز وارثان زمین قرار می دهد و جهاد و مبارزه برای نجات و یاری مستضعفین و محرومین را تأیید می نماید و استکبار را در زمره کافرین قرار می دهد؛ جملگی برای گرایش و برانگیختن روحیه افراد به اسلام است.

از دیگر آیات قرآنی دلالت داشتن بر نفی هرگونه تبعیض و عدم برتری سفید پوست بر سیاه پوست، زیبا بر زشت، یک قوم بر قوم دیگر و... است و صرفاً آن را تفاوتی می داند که نه تنها مایه اختلاف و فضیلتی نیست، بلکه فقط برای ائتلاف و شناسایی اقوام و قبائل است تا یکدیگر را بشناسند و بر این اساس پای تعاون در میان آنان مستحکم گردد. لذا هیچ برتری و مفاخرتی بین مرد و زن، غنی بر فقیر، رنگ، نژاد و... نیست و همین امر موجب گردیده است تا اجتماعات مذهبی اعم از سیاسی، فرهنگی، عبادی، اجتماعی و... همه مردم در کنار هم زندگی می کنند و این بزرگترین امتیاز این مکتب است که در جذب مردم تاثیر زیادی دارد.

آیات دیگر قرآن مجید به نقل قصه هایی می پردازد که به تناسب سواد، سن، ایمان و... افراد بستگی دارد و در تحریک انگیزه ها بسیار مؤثر است. به عنوان مثال، داستان

حضرت موسی «ع» که جنبه انقلابی و مبارزاتی دارد. زیرا جوانان در هر عصری نسبت به سایر افراد دارای این روحیه انقلابی هستند بیشتر مجذوب اینگونه آیات و قصص می شوند. وقتی پیامبر اکرم عده‌ای را به سرکردگی جعفر بن ابیطالب به سوی نجاشی پادشاه حبشه اعزام نمود، جعفر بن ابیطالب چون دید نجاشی دین مسیحیت دارد با تلاوت آیات سوره مریم تحول عظیمی را در اطرافیان پادشاه ایجاد نمود و بسیاری از آنان و خود نجاشی گریستند.

دسته دیگر آیات به ایجاد روح امید و شوق به بهشت می پردازند و از یأس که در زمره کفر قرار داده شده و آفت بزرگی محسوب می شود بر حذر می دارند. این آیات، اوصاف و احوال زندگی اخروی را بازگو می کند و اشتیاق به بهشت را زیاد می نماید و لذات بهشت را فنا ناپذیر و دائمی معرفی می کند و جایگاهی است که هرگز در آن اندوه و خوف وجود ندارد و نقصان و ضعف این دنیا را ندارد و به بهشتیان و متقین وعده می دهد که در بهشت نه‌هایی است از آب تغییر ناپذیر و نه‌هایی از شیر که طعم آن تغییر نیافته و نه‌هایی از خمر که برای نوشندگان لذت است و نه‌هایی از عسل صاف شده و برای آنها میوه‌هایی است ...

اخلاق نیکو از مهمترین عوامل جذب به شمار می رود که قرآن کریم وجود این صفت را برای کارگزاران حکومت اسلامی و رهبران جامعه اسلامی بسیار تأکید می ورزد و رمز موفقیت رسول خدا را در جذب مردم خلق عظیم و اخلاق فاضله معرفی می کند؛ اینک به ذکر یک آیه در این زمینه بسنده می کنیم.

«فَمِمَّا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَقُصُّوا مِنْ حَوْلِكَ...»^(۱)

ای رسول رحمت خدا ترا با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند.

«فَظًّا» به معنی خشن و قسی القلب است و غلظت قلب کنایه از فقدان رقت و رأفت

قلب است و «انفضاض» به معنی پراکندگی و تفرق است. این آیه به دنبال آیات غزوه اُحُد است که از تأسف و حسرت برکشتگان رجال و بزرگان قوم بویژه از انصار گفتگو می کند و به دنبال آن سوء ظن به رسول خدا داشتند. «آنان عامل و سبب معرکه و هلاکت و کشته شدن را حضرت می دانستند، لذا در این جا رسول خدا از آنان اعراض و دوری کرد و خداوند رسول خدا «ص» را مخاطب خود قرار داد و فرمود: ای پیامبر اکنون که مومنین را مانند کفار می بینی و هاله ای از غم و حسرت قیافه هایشان را احاطه کرده، رحمت ما این چنین ایجاب می کند که حالت نرمش و مدارای خود را از دست ندهی و اگر سخت و خشن با آنها برخورد کنی از اطرافت متفرق و پراکنده خواهند شد.» (۱)

اعطای شخصیت به زیر دستان که غالباً از طریق مشاوره صورت می گیرد از نظر قرآن کریم دارای اهمیت زیادی است: لذا آمده است.

«... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (۲)

«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...» (۳)

«... فَإِنَّ أَرَادَ فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...» (۴)

شوری در قرآن کریم دارای جایگاه خاصی است. آیه «و شاورهم فی الامر» مربوط به غزوه اُحُد است، این آیه بعد از جنگ اُحُد که شکست نسبی نصیب مسلمانان گشت، آنرا نتیجه مشورت می دانستند. این آیه نازل شد و تأیید آیه اینکه رسول خدا «ص» در تصمیم گیری گر چه نیازی به مشورت نداشتند اما برای اعطای شخصیت و بها دادن به فرماندهان، زیر دستان و کارگزاران، با آنان به مشاوره پرداخت.

بنابر این مفهوم آیه این است که مسئولان نظام اسلامی در تمامی زمینه ها بایستی با زیر دستان، کارمندان، مردم و... مشورت کنند و شوری در حقیقت اتقای دو فکر،

۱ - تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبائی، ج ۴.

۲ - قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ۳ - قرآن مجید، سوره شوری، آیه ۳۸.

۴ - قرآن مجید، سوره بقره، آیه ۲۳۳.

مانند اتقای دو سیم مثبت و منفی است. وجوه افتراق مشاوره کردن افراد عادی با رسول خدا «ص» و ائمه «ع» در این است که مشورت افراد عادی برای همکاری و همفکری به منظور حصول قطعی نتایج صورت می‌گیرد تا بدینوسیله طرحها و برنامه‌ها اصلاح و تکمیل گردد و تحصیل به مقاصد تسهیل شود. ولی مشورت رسول خدا «ص» و ائمه اطهار «ع» برای رفع ابهام و اتقای افکار و تکمیل برنامه‌ها نیست، بلکه دارای هدفی والا و غرضی عمیق است که آن پرورش فرد و اجتماع و اعطای شخصیت به دیگران است. وقتی مردم خود را در کنار پیامبر «ص» و در جلسه‌ای که آن حضرت برگزار می‌کردند، شرکت می‌نمودند؛ احساس غرور و سربلندی می‌کردند و به کارهایشان امیدوار بودند و این برای جذب افراد و دلگرمی آنها در اموراتشان و پایبندی بیشتر به مسئولیت‌هایشان اثر وافر داشت.

در تفسیر وشاورهم فی الامر آمده است:

«بعد از جنگ اُحد به نظر می‌رسید که در آینده پیامبر «ص» نباید با کسی مشورت کند. قرآن به این طرز تفکر پاسخ می‌دهد و به رسول خدا «ص» دستور می‌دهد باز هم با آنان مشورت کن هر چند که نتیجه مشورت در پاره‌ای موارد، سودمند نباشد. زیرا از نظر کلی منافع مشورت به مراتب بیش از زیان آن خواهد بود و اثری که در آن برای پرورش خود و اجتماع و نیز بالا بردن شخصیت آنها وجود دارد از حد اینها بالاتر است» (۱).

همچنین در تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره که می‌فرماید "فان اراد... " آمده است:

«کلمه مشاوره به معنای اجتماع کردن در مجلس مشاوره است. پس ممکن است نتیجه مشورتشان این باشد که هر دو راضی شده باشند بچه را از شیر بگیرند. بدون اینکه یکی از دو طرف ناراضی و یا مجبور باشد و همچنین ممکن است نتیجه این باشد که پدر، فرزند خود را به زنی دیگر بسپارد تا شیرش دهد، و همسر خودش راضی به

شیردادن نشود و یا فرضاً شیرش خراب باشد و یا اصلاً شیر نداشته باشد و یا جهاتی دیگر» (۱).

عامل دیگر در جذب و تمایل افراد به اسلام که به امدادهای الهی و یا سرمایه های معنوی تعبیر می شود در آیه ذیل آمده است :

«وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۲)

و خدا الفت داد دل‌های مومنان را ، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می خواستی الفت دهی نتوانستی ، لیکن خدا تألیف قلوب آنها کرد که او بر هر کار مقتدر و به اسرار و مصالح امور داناست .

در این آیه می فرماید مومنان مخلص که گرد تو را گرفته اند و از هیچگونه فداکاری مضایقه ندارند ، قبلاً مردمی از هم پراکنده و با یکدیگر دشمن بودند . خداوند نور هدایت بر آنها پاشید و در میان دل‌های آنها الفت ایجاد کرد ، زیرا سالیان دراز در میان طایفه اوس و خزرج در مدینه جنگ و خونریزی بود و سینه آنها مالا مال کینه و عداوت ، آنچنانکه هیچکس باور نمی کرد روزی آنها دست دوستی و محبت به سوی هم دراز کنند و در یک صف قرار گیرند ؛ ولی خداوند قادر متعال اینکار را در پرتو اسلام و در سایه نزول قرآن و به تعبیری توسط سرمایه های معنوی انجام داد و از طرفی در جنگ بدر که تعدادی از مهاجر و تعدادی از انصار بودند تشکیل یک ارتش یکپارچه ، منسجم ، متحد و قوی پنجه جز در سایه سرمایه های معنوی امکان پذیر نبود .

سپس می افزاید فراهم ساختن این الفت و پیوند دل‌ها از طرق مادی و عادی امکان پذیر نبود . اگر تمام آنچه را در روی زمین خرج می کردی ، هیچگاه نمی توانستی در میان دل‌هایشان الفت ایجاد کنی . ولی این خدا بود که در میان آنها بوسیله ایمان الفت

۱ - ترجمه تفسیر المیزان ، علامه طباطبائی ، ج ۲ ، ص ۳۶۲ .

۲ - قرآن کریم ، سوره انفال ، آیه ۶۳ .

ایجاد کرد و تنها چیزی که می توانست کینه های راسخ و ریشه دار را از میان ببرد ، ایجاد یک نوع انقلاب و دگرگونی در افکار و اندیشه ها و جانهاست . دگرگونی در افکار ، اندیشه ها و به تعبیری خانه تکانی در اعماق وجود انسان بوسیله پول و ثروت هرگز ساخته نیست . بلکه تنها در سایه ایمان و توحید واقعی امکان پذیر است .

البته از جمله چیزهایی که می تواند در بسط الفت «نه ایجاد الفت» در افراد انسانی و ارضای دل‌های سرشار از خشم و دشمنی اثر کند مال و یا جاه و یا سایر نعمتهای دنیوی است که چون محبوب انسان است ، انسان را مجذوب می کند و ممکن است با دادن آنها، افراد را تا اندازه‌ای قانع و ساکتشان کند و لکن این گونه چیزها در موارد جزئی موثر است ؛ اما دشمنی های عمومی و کینه های عمیق را از دل‌هایشان نمی زداید . زیرا آتش غریزه و حس زیاده طلبی و بخل که در درون تمامی افراد هست و در اثر مشاهده پاره‌ای از زندگی در دست دیگران ، شعله ور می گردد به هیچ وجه با پول و مقام و امثال آن خاموش نمی شود . در این میان عامل موثر در ایجاد الفت و برابری بین مسلمانان و فرونشاندن اختلافات ، کشمکش ها ، جنگها و ستیزها اسلام است که خداوند بر او منت نهاده و ردیله بخل را از دل‌ها بزود و میانه دل‌ها الفت ایجاد کرد . قرآن کریم در این آیه بهترین تعبیر را برای جذب نیروهای مردمی دارد ، یعنی زمانی جذب صورت می گیرد که الفت قلوب ایجاد شود و زمانی که قلبها با یکدیگر مانوس شد ؛ کشش و گرایش صورت می گیرد و این انس و الفت جز با ایمان و اراده حق تعالی میسر نیست .

نکته حائز اهمیت در آیه فوق «ما فی الارض جمعاً» اینکه اگر از تمام ثروتهای دنیا برای جذب و کشش مردم به اسلام استفاده کنی ، ولی لطف خدا شامل آنان نگردد ، جذب نخواهند شد و فراهم نمودن امکانات رفاهی ، خدماتی و بهره مندی از لذایذ مادی و چریدن در چراگاه پست مادیات ، کشش و تمایل را به ارمغان نمی آورد .

در خاتمه یادآوری این مطلب لازم است که شیوه های جذب در قرآن کریم بسیار زیاد است و تمام آیات یا دلالت مستقیم بر جذب دارد ، همانند آیات فوق ، و یا دلالت

غیر مستقیم که پرداختن به این بخش از بحث ، از حوصله مقاله خارج است .
منابع و مأخذ :

- ۱- فرهنگ آریانپور ، دوجلدی
- ۲- مرحوم دکتر معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، جلد ۱
- ۳- یوسفیان ، جواد ؛ مجیدی ، علی اصغر ؛ تاریخ اندیشه اجتماعی ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۷۰ .
- ۴- قرآن کریم
- ۵- مرحوم علامه طباطبائی ، سید محمد حسین ؛ ترجمه تفسیر المیزان
- ۶- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه
- ۷- مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری ، امور نیروی انسانی ، ۱۳۶۴

8- Dr.H.R. Kurz , Swiss National Defence , Fedral Military Department .